

راهبردهای متصلب امنیت فراسرزمینی در گفتمان اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۲۳

تاریخ تأیید: ۹۱/۱۱/۱۴

دکتر حسین تاج آبادی*

سیدمصطفی ابراهیمی**

امنیت از ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای بشر در زندگی فردی و اجتماعی است. مکاتب و نظریه‌های امنیتی، هر کدام در امنیت‌سازی و تولید امنیت از رویکردهای استراتژیک خاصی بهره می‌برند. تولید و ایجاد امنیت در عرصه سرزمینی با امنیت‌سازی در عرصه محیطی و فراسرزمینی متفاوت خواهد بود. در سطح کلان راهبردی فراسرزمین، واحدهای بین‌المللی با الگوها و استراتژی‌های متنوعی به مدیریت تهدید می‌پردازند که طیفی از راهبردهای نرم و منعطف تا سخت و متصلب را شامل می‌شود. راهبردهایی که در آن برای امنیت‌سازی و مدیریت تهدید از سازوکارها و ابزار سخت، عینی و فیزیکی (نظامی) بهره گرفته می‌شود، متصلب گفته می‌شود. نگاه واقع‌گرایانه اسلام به محیط بین‌الملل و وجود تحرکات شرم‌محور در این حوزه، مقتضی است تا در تولید امنیت فراسرزمینی و کاهش ناامنی محیطی از راهبردهای متصلب نیز بهره برده شود. سؤال اصلی مقاله این است که اسلام در تولید و تأمین امنیت فراسرزمینی از چه راهبردهای متصلبی بهره می‌گیرد؟ و فرضیه نیز بر این استوار است که

* استادیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر.

** دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد دیپلماسی کنترل تسلیحات از دانشگاه صنعتی

مالک اشتر.

راهبردهای بازدارندگی، مقابله به مثل، دفاع پیش‌دستانه و دفاع در آستانه از جمله راهبردهای متصلبی است که در گفتمان اسلامی برای امنیت فراسرزمینی استنتاج می‌شود که با روش توصیفی - تحلیلی به آنها پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: امنیت فراسرزمینی، راهبرد متصلب، بازدارندگی، مقابله به مثل، دفاع پیش‌دستانه، دفاع در آستانه.

بیان و ضرورت مسئله

امنیت از ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای بشر در زندگی فردی و اجتماعی است. انسان از روزی که خود را در پهنه گیتی یافت، از تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها گریزان بود و در جستجوی وضعیتی آرام و مطمئن به سر می‌برد، وضعیتی که در آن ترس و نگرانی حاکم نباشد. در عصر انضمام و تجمیع اراده‌های گوناگون و تشکیل نهادی به نام دولت با کارکردهای متنوع، امنیت به صورت امری سیاسی ظاهر گردید و یکی از موضوعات اساسی نظریات سیاسی درآمده است، چنان‌که نظریه‌پردازی در مکاتب سیاسی و بشری نیز در پیوند با ایدئولوژی پذیرفته‌شده در آن مکتب شکل گرفته است. از این رهگذر مکاتب و نظریه‌ها از زاویه نوع هستی‌شناسی و انسان‌شناسی خود هویت می‌یابند، چنان‌که انسان‌شناسی هابزی (انسان گرگ انسان) مکتب امنیتی رئالیستی و انسان‌شناسی کانتی مکتب امنیتی ایدئالیستی را به دنبال آورده است (لک زایی، ۱۳۹۰، ص ۲۹).

در میان مکاتب الهی نیز اسلام، آخرین دین الهی و با ویژگی‌های فرامکانی و فرازمانی، مکتب امنیتی متناسب با هستی‌شناسی و انسان‌شناسی متعالی ارائه می‌دهد که از ویژگی‌های بارز آن دنیوی - اخروی بودن است.

مکاتب و نظریه‌های امنیتی هر کدام در امنیت‌سازی و تولید امنیت از رویکردهای استراتژیک خاصی بهره می‌برند. بدون شک تولید و ایجاد امنیت در عرصه سرزمینی که بر آسیب‌پذیری‌ها مبتنی است، با امنیت‌سازی در عرصه محیطی و فراسرزمینی که مبتنی بر تهدیدات است، متفاوت خواهد بود. آسیب‌ها و کمبودها در محیط داخلی عموماً با عنصر سرزمین و تمامیت ارضی در ارتباط مستقیم نیست و ریشه در اقدامات و برنامه‌های گوناگون دولت و روابط آنها با مردم دارد، حال آنکه تهدیدات محیط پیرامونی عموماً جنبه سخت و بنیادشکن دارد.

تهدید از ناحیه فراسرزمین و خارج از محدوده مرزهای سرزمینی، همواره اصلی‌ترین



تهدید برای امنیت عینی کشور محسوب می‌گردد و از آنجا که پایداری فیزیکی کشور و استقلال آن از تهدیدهای خارجی در قبال تهدیدهای سرزمینی آسیب‌پذیرتر است، تهدیدهایی فراسرزمینی به عنوان منبع اصلی تهدیدات سرزمینی دارای اهمیت می‌باشند (مرادیان و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۴۵).

بر این اساس در سطح کلان راهبردی فراسرزمین، واحدهای بین‌المللی با الگوها و استراتژی‌های متنوعی به مدیریت تهدید می‌پردازند که با در نظر داشتن توانمندی‌ها و محدودرات داخلی و بین‌المللی، طیفی از راهبردهای نرم و منعطف تا سخت و متصلب را شامل می‌شود. وصف «متصلب» و «منعطف» ناظر به ابزاری است که با آنها امنیت سازی می‌شود چراکه امنیت و دستیابی به اهداف در محیط فراسرزمین، گاهی با ابزار شکننده و خشک نظامی و گاهی با ابزاری که انعطاف بیشتری دارند، دنبال می‌گردد.

پژوهش حاضر از میان طیف راهبردی فوق به بررسی راهبردهای متصلب امنیت فراسرزمینی اسلام می‌پردازد، راهبردهایی که در آن برای امنیت‌سازی و مدیریت تهدید از سازوکارها و ابزار سخت، عینی و فیزیکی (نظامی) بهره گرفته می‌شود. استفاده از قدرت سخت الزاماً به معنای کاربرد میدانی و خشونت‌آمیز آن نیست تا همواره جنگ پیامد آن باشد، بلکه مانور و نمایش قدرت و توانمندی‌های سخت نیز در مفهوم متصلب منظور است. بنابراین، سؤالی که مقاله حاضر در پی پاسخ به آن است، این است که اسلام در تولید و تأمین امنیت فراسرزمینی و کاهش ناامنی محیطی از چه راهبردهای متصلبی بهره می‌گیرد؟ و مدعای مقاله نیز این خواهد بود که نگاه واقع‌گرایانه اسلام به محیط بین‌الملل و وجود تحرکات شرّ محور در این حوزه، مقتضی است در تولید امنیت فراسرزمینی و کاهش ناامنی محیطی از راهبردهای متصلب نیز بهره برده شود.

چارچوب نظری پژوهش

اجتهاد پویا و گستره منابع معرفتی دین

پژوهش در اندیشه سیاسی اسلام از کثرت‌گرایی روش‌شناختی^۱ برخوردار است و طیفی از رهیافت‌های درون دینی، برون دینی و تلفیقی بر آن حاکم است. این پژوهش از رهیافت تلفیقی (برون دینی - درون دینی) و الگوی فهم اجتهادی تطبیق‌گرا استفاده می‌نماید. در این الگو، مسئله مورد پژوهش با نظرخواهی از قرآن و متون دینی درباره یافته‌های بشری



سامان می‌یابد. پژوهشگر فرایند پژوهشی خود را با یافته‌های عقلانی و محصول تجربه بشر در مورد مسئله آغاز می‌نماید و عناصر اصلی موضوع را شناسایی می‌کند، سپس با مراجعه به متون دینی و بهره‌گیری از روش استنباطی، دیدگاه دین را دربارهٔ عناصر اصلی مسئله، بررسی می‌نماید.

نوع داده‌ها و گزاره‌های گردآوری شده به صورت نقلی (در مقابل تجربی و عقلی) و بررسی متون می‌باشد که به اقتضای متن محوری از روش و ابزار کتابخانه‌ای برای گردآوری آنها سود برده‌ایم. روش تحلیل داده‌ها، روش توصیفی - تحلیلی خواهد بود و در مراجعه به متون دینی و بررسی محتوای آشکار و پنهان پیام‌های موجود در متن روش تحلیل محتوا^۱ می‌تواند کارایی خوبی برای تأمین این هدف داشته باشد.

بنابراین گزاره‌های معرفتی بسیاری وجود دارند که به وصف «دینی» بودن شناخته می‌شوند. اما منبع معرفتی دین در تولید محتواهای دینی چیست؟ گروهی در پاسخ به این سؤال منبع را صرفاً متون دینی می‌دانند و گروهی عقل را هم یکی از منابع معتبر شناخت دینی برمی‌شمارند و دستاوردهایش را دینی محسوب می‌کنند. در این تلقی، عقل تنها به معنای استدلال‌های فلسفی محض نیست، بلکه مجموع دستاوردهای ادراکی عادی بشری را نیز شامل می‌شود، دستاوردهایی که بشر از راهی غیر از آموزه‌های وحیانی به آنها علم پیدا می‌کند (سوزنجی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۰). داده‌های موجود در علم اصول فقه مؤید دیدگاه دوم می‌باشد. بر این اساس عقل در ردیف کتاب و سنت از جمله منابع مقبول دین اسلام است و علاوه بر کاربری در کشف و فهم محتوای متون دینی می‌تواند منبعی برای دریافت احکام شرعی نیز باشد. با گسترش منابع معرفت دینی از معارف نقلی به معارف عقلی، راه دینی‌خواندن بسیاری از یافته‌های بشری در علوم مختلف گشوده می‌شود، چراکه عقل در فرایند پیدایش آنها نقش داشته است.

در این میان هیچ اندیشمندی ملتزم به دینی‌بودن تمام یافته‌های بشری نیست و تعارضاتی که میان یافته‌های علمی با آموزه‌های دینی دیده می‌شود، تأیید روشنی بر عدم این‌همانی مطلق میان این دو گونه معارف می‌باشد. در همین جاست که برای پالایش یافته‌های بشری و تمیز مسائل عقلی از مسائل وهم و هوس که تحت تأثیر باورها و خواسته‌های غیرعقلی پدید آمده‌اند، باید چاره‌جویی کرد.

علاوه بر معیاری که منطبق برای کشف واقع در اختیار انسان قرار می‌دهد، راهکار دیگر بهره‌گیری از روش اجتهادی است. از آنجا که پالایش منابع نقلی و رسیدن به گزاره‌های دینی ناب از میان انبوه گزاره‌های نقلی و فهم محتوای آنها نیازمند فرایند اجتهاد است، پالایش منابع عقلی به عنوان یکی از منابع معرفتی دین از طریق روش اجتهادی امکان‌پذیر است. البته اجتهاد مورد نظر در اینجا منحصر در فقه عبادی و فردی نیست، بلکه اجتهادی در تمامی شئون معرفتی و در تمام ابعاد زندگی است و شامل تمامی علوم است که از گزاره‌های دینی متأثر می‌شوند و نتیجه آن، نظام‌سازی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی و... است که تحولات و مقتضیات زمان و مکان نیز در آنها لحاظ گردیده است.

راهبردهای متصلب امنیت فراسرزیمینی اسلام

در این بخش شناسایی و تشریح راهبردهای امنیتی متصلب را از میان متون اسلامی شناسایی و تشریح می‌کنیم. ویژگی بارز این راهبردها اتکا به قدرت سخت و بهره‌گیری از نیروی نظامی برای برخورد با تهدیدات فراسرزیمینی می‌باشد. این ویژگی به آن معنا نیست که در تمام این راهبردها قدرت نظامی در صحنه نبرد به کار گرفته می‌شود، بلکه ملاک متصلب بودن این راهبردها استفاده هدفمند از قدرت سخت برای واداشتن واحد تهدیدکننده به تجدید نظر در تعرض و تهدید امنیت سرزمین اسلامی است.

۱. راهبرد بازدارندگی^۱

۱-۱. مفهوم‌شناسی بازدارندگی

بازدارندگی در فارسی از مصدر «بازداشتن» گرفته شده و به معنای منع کردن و جلوگیری کردن به کار می‌رود (معین، ۱۳۶۶، ص ۴۵۴). در فرهنگ آکسفورد، فعل deter این گونه معنا شده است: مانع شدن، جلوگیری کردن یا مهار کردن از طریق ایجاد ترس، مهار یا ممانعت از دست‌به‌کار شدن یا اقدام با هرگونه عامل ایجادکننده خطر یا رنج (لرنرز، ۱۳۸۶، ص ۱۹۳).

تعاریف اصطلاحی بازدارندگی نیز با تکیه بر بنیان‌های لغوی این واژه توضیح یافته و با وجود تنوع در تعبیر از مؤلفه‌ها و عناصر مشترک برخوردارند. الکساندر جورج و ریچارد



اسموک بازدارندگی را سیاستی معرفی می‌کنند که هدفش مُجاب کردن حریف در برتری خود و افزایش هزینه‌ها نسبت به منافع حاصله از تهاجم است (George and smoke, ۱۹۷۴, p.۱۱) رابرت جرویس مجموعه‌ای از روش‌های مقتضی برای وادار کردن طرف مقابل به عکس‌العمل در مقابل خواسته‌های طرف تهدیدکننده را بازدارندگی می‌داند (Jervis, ۱۹۷۹, p.۲۸۹).

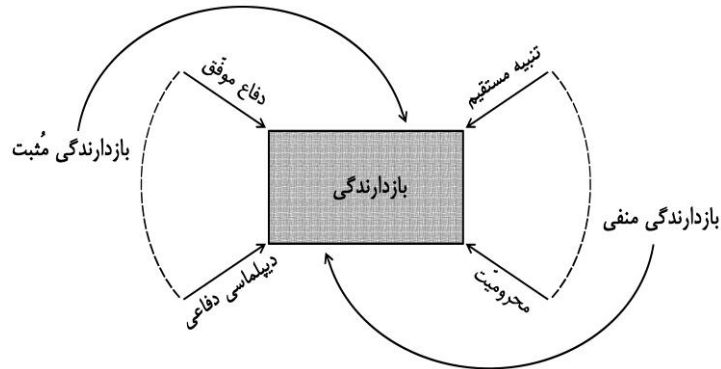
۲-۲. بازدارندگی در ادبیات راهبردی

دقت در واژه‌شناسی و تعاریف اندیشمندان، بیانگر آن است که بازدارندگی بیش از آنکه جنبهٔ ایجابی داشته باشد، بر جنبه‌های سلبی تأکید دارد، به گونه‌ای که طرف مقابل بر اثر تأثیرهای روانی ناشی از ترس و نگرانی از پیامدهای انجام رفتار نامطلوب (تهاجم) به انجام ندادن آن رفتار متقاعد می‌شود. ویژگی دیگر بازدارندگی، ظرفیت صلح‌سازی آن است. این راهبرد با وجود تکیه بر قدرت سخت، رویکرد صلح‌طلبانه دارد و نوعی رابطهٔ ذهنی-روانی میان واحد چالشگر و مدافع برای عدم تعرض به شمار می‌رود. این استراتژی «به منظور متقاعد کردن طرف مقابل طرح می‌شود تا به وی ثابت کند که در میان راهکارهای ممکن، تجاوز کمترین تأثیر را دارد. بازدارندگی دشمن را از نظر فیزیکی دفع نمی‌کند، بلکه از نظر روانی از تجاوز او جلوگیری می‌نماید» (کالینز، ۱۳۷۳، ص ۱۶۱). توجه به استعداد و توان یا کاستی‌ها و ضعف در ناحیهٔ مدافع و چالشگر، شیوه‌های استراتژیک گوناگونی را در اختیار واحد بازدارنده (مدافع) قرار می‌دهد. مطابق نمودار ۱ این شیوه‌ها به دو صورت مثبت و منفی قابل اعمال است. اگر واحد مدافع به اعمال مجازات و برخورد سخت با چالشگر در صورت تعرض و تجاوز تهدید کند، بازدارندگی منفی به عنوان شیوه استراتژیک برگزیده شده است. در بازدارندگی منفی، تأکید بر عنصر مجازات است که با تهدید به مجازات یا نفی پاداش^۱ انجام می‌پذیرد (همان، ص ۱۶۲)، ولی در بازدارندگی مثبت به جای تأکید بر عناصر منفی و مجازات‌های اعلامی بر عناصر ایجابی و غیرتهاجمی تأکید می‌شود. رویکرد واحد بازدارنده در این روش، رویکرد قدرت‌سازی یا قدرت‌افکنی^۲ خواهد بود. دفاع موفقیت‌آمیز با القای استحکامات دفاعی نفوذناپذیر (دفاع عامل) و اتحاد و ائتلاف با سایر واحدها (دفاع غیرعامل)، (قاسمی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۹) و

□. Negative Reward.

□□. Power Projection.

دیپلماسی دفاعیⁱ از شیوه‌های بازدارندگی مثبت می‌باشد.



نمودار ۱: ترسیم شیوه‌های مختلف بازدارندگی راهبردی

۲-۱. اسلام و راهبرد بازدارندگی

با توجه به هدف آرمانی صلح‌سازی در اسلام قاعدتاً این دین مبین مؤلفه‌های واقع‌گرایانه‌ای را که انطباق بیشتری با این هدف آرمانی داشته باشد، در مناسبات بین‌الملل توصیه می‌نماید. از آنجا که راهبرد بازدارندگی در پی هدف غایی صلح و انصراف از جنگ است، می‌تواند در ردیف یکی از مؤلفه‌های واقع‌گرایانه اسلام مورد بررسی قرار گیرد.

جستار در متون اسلامی گویای آن است که عناصر و مؤلفه‌های مورد بحث در راهبرد بازدارندگی به‌وفور در میان گزاره‌های دینی وجود دارد. در ادبیات دینی قدرت و توان فیزیکی - یکی از عناصر پایه‌ای این راهبرد - را «قوه» می‌نامند که با مشتقات خود ده‌ها بار در قرآن کاربرد دارد. عنصر روانی ترسⁱⁱ که در متون دینی از آن به «رهب» تعبیر شده، از جایگاه ویژه‌ای در گزاره‌های دینی برخوردار است.

گذشته از عناصر و مؤلفه‌های بازدارندگی و دلالت تضمینی برخی آیات (توبه: ۱۲۳، نساء: ۷۱) بر راهبرد بازدارندگی، برخی از گزاره‌های قرآنی دلالت مطابقی و تام در تبیین راهبرد بازدارندگی دارند:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَ
آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ»: آنچه در توان دارید از نیروی رزمی و

۱۴۱ □. Defense Diplomacy.

□□. Fear.



تجهیزات و اسبان بسته (آماده نبرد) آماده سازید تا بدین وسیله دشمنان خدا و دشمنان شما و دشمنان دیگری غیر از اینان را که شما از آنان بی خبرید و خدا آگاه است، بترسانید (انفال: ۶۰).

در نظر علامه طباطبایی «قوه» چیزی است که به آن کار معینی ممکن می‌گردد. این واژه در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان‌پذیر می‌شود، از قبیل انواع تسلیحات و مردان جنگی و تشکیلات نظامی (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۷، ص ۱۷۸). این کلمه با توسعه در معنا نه تنها شامل وسایل جنگی هر عصری می‌شود، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به هر نحوی در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۲۶۹، ۲۷۰). شاهد این توسعه روایاتی است که ناظر به تفسیر آیه شریفه بوده و مصادیق متنوعی برای «قوه» برشمرده‌اند. در روایتی قوه با «تیر» تطبیق داده شده و در روایتی با «شمشیر و سپر» (علی بن ابراهیم، ۱۴۱۲، ص ۱۶۴)، در روایتی با «هرگونه اسلحه» (همان، ۱۶۵) و در روایتی به «سیاه کردن موهای سفید» [تا نیروی رزمی، جوان و تازه نفس دیده شود] (صدوق، ۱۴۱۳، ص ۱۲۳).

«تُرهبون» به معنای ترساندن است و تعلیل آماده‌سازی و تدارک تجهیزات؛ یعنی هدف و علت تدارک نیرو و تجهیزات آن است که دشمن از دیدن آنها بترسد و از اقدامات تهاجمی و کینه‌توزانه دست بردارد.

۳- ۱. مؤلفه‌های بازدارندگی در نگاه راهبردی اسلام

استراتژی بازدارندگی به سه مؤلفه اساسی معطوف است: الف) وسیله بازدارندگی؛ ب) وظیفه بازدارندگی؛ پ) ارزش‌های مورد تهدید. (سیف زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۷۹).

وظیفه بازدارندگی که مأموریت و هدف اعمال این راهبرد است، جلوگیری از وقوع جنگ با عنصر تهدید و القای هراس از عواقب آن می‌باشد. وسیله بازدارندگی قدرت و توان ملی و برخورداری از تجهیزات برتر است. مؤلفه ارزش‌های مورد تهدید نیز ارزش‌های حیاتی مثل تهدید جان و مال و تمامیت ارضی و... می‌باشد.

با دقت در آیه شریفه سه مؤلفه بازدارندگی را - که محصول سال‌ها تجربه و آزمون نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل می‌باشد - می‌توان شناخت:

الف) وسیله بازدارندگی: در این گزاره استراتژیک، خداوند متعال به نیرومند شدن و

آماده‌سازی نیرو و تجهیزات برای مسلمانان دستور می‌دهد. این دستور با لسان عمومیت و اطلاق صادر شده و با القای خصوصیت از برخی مصادیق بیان شده در آیه (رباط الخیل)، دستور به تدارک و آماده‌سازی تمامی مؤلفه‌های قدرت - اعم از ابزارهای نظامی، اقتصادی، نهادهای ثابت و سازوکارهای متغیر و... - است. دلیل این فراگیری و عمومیت آن است که در جهان عینی، با پیشرفت دانش بشری، سازوکارها و ابزارهای مؤثر در امنیت‌سازی، تنوع و گوناگونی یافته است و اکتفای مسلمانان به یک یا چند وسیله مانع بزرگ استقلال و سلطه‌ناپذیری آنان می‌باشد؛ بنابراین باید دست آنها برای کسب قدرت از منابع مختلف باز باشد (جهان بزرگی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۱).

ب) وظیفه بازدارندگی: خداوند متعال با امر به آماده‌سازی و تدارک تمامی مؤلفه‌های قدرت‌سازی در بیان تعلیل دستور آماده‌باش مسلمانان از عنصر روانی «ترس و إرهاب» سخن می‌گوید تعلیلی که در ترسیم این استراتژی در میان تئوری پردازان بازدارندگی به عنوان مأموریت و هدف از این سیستم بیان گردیده است.

از تعلیل موجود در آیه استنباط می‌شود که مقصود از تجهیز قوا و تدارک مؤلفه‌های قدرت آن است که دشمن به توانمندی مسلمانان و افزایش هزینه‌های تهاجم و قابل پیش‌بینی نبودن هزینه‌ها پی برد و ترس از واکنش شدیدتر موجب انصراف او از اقدامات خصمانه گردد؛ در بازدارندگی و نظریه‌های پیرامون آن، ترساندن دیگران از اقدام - به علت عواقب آن - از معیارهای اصلی است. در همین چارچوب تلاش برای درک طرف مقابل از توانمندی بازدارنده برای ضربه‌زدن به چالشگر، اصل اساسی است و نمایش قدرت، یک راهبرد مناسب در چارچوب این نظریه می‌باشد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۲).

ترکیب وسیله بازدارندگی و وظیفه بازدارندگی در این گزاره قرآنی، توسل به هر دو شیوه بازدارندگی منفی مبتنی بر مجازات و بازدارندگی مثبت مبتنی بر قدرت‌سازی را مورد تأکید قرار می‌دهد. اگر با آماده‌سازی و تدارک انواع قدرت در صدد القای این نکته باشیم که واحد چالشگر در صورت اقدام به رفتار خصمانه ارزش‌های حیاتی خود را به خطر می‌اندازد و با مجازات سخت و تنبیه شدید واحد مدافع روبرو خواهد شد، نقطه کانونی راهبرد بازدارندگی بر بازدارندگی منفی استوار خواهد بود و اگر با تدارک قوه و نیرو و تقویت استحکامات نظامی و دفاعی، موفق نبودن در تعرض و تهاجم به چالشگر القا گردد، از بازدارندگی مثبت مبتنی بر عناصر ایجابی و غیرتهاجمی سود برده‌ایم. به همین جهت ۱۴۳



است که آماده‌سازی تجهیزات و نیروها و تظاهر به آن در قالب آزمایش‌های نظامی یا مانور نظامی نیروها و تجهیزات در ردیف سیاست‌های دفاعی کشورها به شمار می‌آید. نکته دیگر توجه به میزان قدرت نظامی و میزان تجهیز جامعه اسلامی به تسلیحات رزمی است. برداشت راهبردی در پیوستگی امر به تدارک مؤلفه‌های قدرت‌سازی و تحلیل آن به هراس دشمن در آیه شریفه آن است که قوای نظامی جامعه اسلامی باید در سطحی از کمیّت و کیفیت قرار گیرد که همواره موجب هراس دشمن باشد؛ بنابراین می‌توان هراس و وحشت دشمن را به معیاری در این زمینه دانست به گونه‌ای که وحشت دشمن تعیین‌کننده مرز قدرت نظامی در جامعه اسلامی باشد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۵، ج ۶، ۵۴۱).

ج) ارزش‌های مورد تهدید (تمایز دیدگاه اسلام و غرب): از مؤلفه‌های اساسی مورد بحث در بازدارندگی، متعلقات تهدید است. باید دید قدرت چالشگر با ماجراجویی و رفتار نامطلوب چه چیزی را تهدید می‌کند و بازیگر مدافع چه چیزی را در معرض تهدید می‌بیند و با رونمایی از توانایی‌های خود درصدد حفاظت و دفاع از آن است؟ ارزش‌های مورد تهدید، مؤلفه‌ای است که بازدارندگی مورد نظر اسلام را از راهبرد بازدارندگی در کلام استراتژیست‌های غربی متمایز می‌سازد. تمدن غربی به مقتضای دیدگاه فلسفی حسابگری، ارزش‌ها را در حصار مادی و اقتصادی محصور می‌سازد (سیف زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۹۰) و در نتیجه سبک زندگی غربی بر این اساس سامان یافته و به حذف متافیزیک از زندگی بشر انجامیده است؛ بنابراین ارزش‌های حیاتی ناشی از این دیدگاه فلسفی در تهدیدات وجودی^۱ منحصر می‌گردد؛ به عبارت دیگر این ارزش‌ها اصالتاً در حفظ جان و مال و بالعرض در حفظ سرزمین خلاصه می‌گردد. تمام اقدامات احتیاطی و تهاجمی در این نظام فکری یا برای گسترش و توسعه ارزش‌های مادی یا برای حفاظت از آنها صورت می‌گیرد.

به یمن این فلسفه سیاسی، ارزش‌های مطلوب دولت ملی در حفظ و حراست از کشور خلاصه گردیده و منفعت ملی در اموری چون حفظ موجودیت، تأمین بقا و تضمین تسلط بر سرنوشت خویش منحصر می‌گردد (هونتزینگر، ۱۳۶۸، ص ۱۸۹). این در حالی است که ارزش‌ها در چارچوب مکاتب الهی خصوصاً مکتب اسلام بر ابعاد استعلایی مبتنی می‌باشد و فراتر از ارزش‌های مادی را شامل می‌شود، به گونه‌ای که ارزش‌های استعلایی بر ارزش‌های مادی تقدّم دارند. در این نگاه، حفظ

ارزش‌های الهی در درجه‌ای از اهمیت قرار دارد که در صورت تهدید آنها، جان و مال به صحنه می‌آید و از موجودیت آن دفاع می‌کند. بر همین اساس است که تهدیدات کشور بازدارنده در مقابل حکومتی با فلسفه «یا مرگ یا زندگی» بی‌فایده تلقی می‌گردد (بیلیس و دیگران، ۱۳۷۳، ص ۱۱۴). در این گزاره استراتژیک قرآنی نیز ارزش‌های مورد تهدید در هر دو بُعد الهی و مادی ترسیم گردیده و در تعلیل آماده‌سازی نیرو و توان بر ترسیدن دشمنان خدا (ارزش استعلایی) و دشمنان مسلمانان (ارزش‌های مادی غیر استعلایی) تأکید گردیده است (تُرهبونَ بهِ عَدُوِّ الله و عَدُوِّكُمْ). در یک جمع‌بندی کلی، گزاره قرآنی مورد بحث برای تبیین راهبرد بازدارندگی دلالت تام دارد و با امر به آماده‌سازی نیرو و تدارک انواع قدرت، توان فیزیکی لازم برای اعمال این استراتژی را ایجاد کرده با تظاهر به آمادگی رزمی و تسلیحاتی و انجام مانورهای نظامی پیام بازدارندگی خود را به‌صراحت به دشمن منتقل می‌کند.

۲. استراتژی مقابله به مثل (ضربه متقابل)^۱

۱- ۲. مفهوم‌شناسی مقابله به مثل

مقابله به مثل در تبیین معنایی واژه عربی «قصاص» به کار می‌رود. قَصَص به معنای پی‌جویی، سرگذشت و تعقیب است و سرگذشت را از آن جهت قصّه می‌نامند که گوینده آن را تعقیب و پیگیری می‌کند و به دنبال آن است. در این چارچوب، مقابله به مثل در جنایت عمدی را به دلیل تعقیب جنایت قصاص می‌گویند (قرشی، ۱۳۷۶، ص ۱۱-۱۲) به گونه‌ای که در پی جنایت عمدی، فاعل به مکافات می‌ماند آنچه که مرتکب شده، می‌رسد (معلوف، بی تا، ص ۶۳۱). به جهت همین معنای لغوی است که علامه طباطبایی در تفسیر «الْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ» (بقره: ۱۹۴) قصاص را به معنای معامله به مثل گرفته است (طباطبایی، ۱۴۱۱، ص ۶۴)، چنان که فقها نیز قصاص را در این معنا به کار برده‌اند (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۴۲، ص ۷ و سرخسی، بی تا، ج ۲۶، ص ۱۱).

۲- ۳. مقابله به مثل در نگاه راهبردی اسلام

حسّ انتقام‌جویی و برخورد با ظالم از گرایش‌های فطری انسان به شمار می‌آید و در دوران‌های مختلف کاربرد داشته است. دین مبین اسلام نیز با توجه به ثمرهای اجتماعی تلافی جنایت (امنیت‌سازی در پرتو مجازات و بازدارندگی) آن‌را تأیید نموده و قواعدی را



برای آن قرار داده است.

در کنار رویکرد مثبت و ایجابی به مقابله به مثل،^۱ رویکرد منفی و تلافی‌جویانه نیز از اهمیت راهبردی برخوردار است و ضمن تأکید در بُعد اجتماعی داخلی و سامان جامعه اسلامی، در بُعد اجتماع بین‌المللی و فراسرزمینی نیز منشأ اثر است. مصادیق رویکرد منفی به مقابله به مثل در گزاره‌های دینی فراوان است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

اول آیات قرآنی

۱. «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ إِعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ» [جنگ] در ماه حرام در برابر ماه حرام است و حرام‌ها قابل تلافی است. پس هر کس بر شما تعدی و تجاوز کرد، شما نیز به مثل آن بر او تجاوز کنید. تقوای الهی پیشه کنید [در مقابله به مثل از حد تجاوز نکنید] (بقره: ۱۹۴).
۲. «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ» اگر کیفر دادید پس مانند همان عقوبتی که به شما رسیده است آنان را عقاب کنید و اگر صبر پیشه کنید و از عقوبت آنان درگذرید قطعاً صبر برای صابرين بهتر است (نحل: ۱۲۶).
۳. «وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»: سزای بدی، بدی مثل آن است. پس کسی که گذشت نماید و اصلاح کند، پاداشش با خداست (شوری: ۴۰).

دوم روایات

۱. امیرالمؤمنین علی ۷: «رُدُّ الْحَجَرِ مِنْ حَيْثُ جَاءَكَ فَإِنَّهُ لَا يُرَدُّ الشَّرُّ إِلَّا بِالشَّرِّ»: سنگ را از هر سو که آمده برگردان، چراکه شر فقط با شر دفع می‌شود (واسطی الیثی، بی تا، ص ۲۷۱).
۲. امام زین العابدین ۷: «وَ حَقٌّ مَنْ أَسَاءَكَ أَنْ تَعْفُوَ عَنْهُ وَ إِنْ عَلِمْتَ أَنَّ الْعَفْوَ يَضُرُّ إِنْتَصَرْتَ. قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: وَ لِمَنْ أَنْصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأَوْلَاكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ»: حق کسی که به تو بدی کرده آن است که از او درگذری و اگر بدانی که گذشت ضرر می‌رساند تلافی کن. خداوند می‌فرماید: «و کسی که بعد از ظلم به او انتقام گیرد، پس بر

۱. «وَ إِذَا حُيِّبْتُمْ بِتَجْيِئِهِ فَحَيِّوْا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رُدُّوْهَا»: هر گاه بر شما تحیت و سلام گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید یا (لااقل) به همان‌گونه پاسخ گویند (نساء: ۸۶).

ایشان (برای مؤاخذه) راهی نیست» (صدوق ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۲۵ / طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۴۲۳).

نکته درخور توجه آن است که مراد از «مثل» در آیاتی که مقابله به مثل منفی (مجازات) را القا می‌کند، «مثل» در اصل تعدی، تجاوز و عقوبت می‌باشد، به این معنا که با دشمن برخوردی داشته باش تا همانند تعدی و عقوبت او تلخ و رنج‌آور باشد (اسکندری، ۱۳۷۹، ص ۹-۱۱). خداوند متعال به نحو موجهه کلیه می‌فرماید: «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» (بقره: ۱۹۴). این گزاره راهبردی، تجاوز و تعدی را به صورت کلی و عمومی بیان داشته و مثل آن را برای مسلمانان اجازه داده است. عمومیت اعتدا شامل تجاوز نظامی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... می‌شود؛ در نتیجه مقابله به مثل آن نیز عمومیت خواهد داشت، چنان که در ابتدای آیه فرموده است «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ» و جنگ در ماه حرام را در مقابل تجاوز و جنگ در ماه حرام قرار داده تا هرگونه محدودیتی در مقابله به مثل را که باعث طمع دشمن گردد، از میان بردارد. در سیره پیامبر اسلام نیز وجوه گوناگون بهره‌برداری از راهبرد مقابله به مثل را می‌توان شناخت. پیامبر ۶ تجاوز اقتصادی را با ابزار اقتصادی پاسخ می‌گفت و در مقابل حمله فرهنگی، عکس‌العمل فرهنگی بروز می‌داد؛ گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که مقدمات جنگ بدر با منطق مقابله به مثل اقتصادی پایه‌گذاری شده است. از آنجا که ثروت مسلمانان مهاجر مقیم مدینه از طرف قریش مصادره شده بود، پیامبر اسلام ۶ برای تلافی، دستور فرمود تا به تعقیب کاروان قریش پردازند و اموال آنها را تصرف نمایند که در نهایت به جنگ بدر منتهی گردید (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۸۸).

مقابله به مثل در گفتمان اسلامی در دو سطح کنشی و واکنشی اعمال پذیر است؛ به عبارت دیگر هم به صورت فعال و قبل از حمله احتمالی نیروی چالشگر و هم به صورت انفعالی و بعد از تهاجم او می‌توان از این راهبرد بهره جست.

الف) مقابله به مثل فعال (کنشی)

به کارگیری فعال این راهبرد به قبل از کنشگری (تجاوز) نیروی چالشگر باز می‌گردد و بازدارندگی و پیشگیری از تجاوز پیامد آن است. در اعمال فعال این راهبرد، واحد مدافع به محض دریافت علائم تجاوز و تعرض از طرف واحد چالشگر، با تدارک تجهیزات متناسب و آرایش نظامی برای ضربه متقابل از نقش تهدیدکنندگی مقابله به مثل برای تغییر در معادلات او بهره می‌برد. ۱۴۷



مجازبودن توسل به اقدامات تلافی‌جویانه و مقابله به مثل باعث می‌شود تا مهاجم همیشه این نگرانی و هراس را داشته باشد که ممکن است همین اقدامات علیه خودش به کار گرفته شود و این ترس مانع از تجاوزگری و اقدام‌های غیرانسانی می‌شود.

امام سجاده⁷ در تشریح فلسفه قصاص و حیات‌آفرین بودن آن به نقش بازدارندگی قصاص اشاره نموده و می‌فرماید: کسی که در پی کشتن دیگری است، با آگاهی از قصاص، از فکر شیطانی خود دست برمی‌دارد و از کشتن منصرف می‌شود (بازدارندگی). پس قصاص باعث حیات کسی است که مورد سوء قصد قرار گرفته است (واحد مدافع)، باعث حیات آن فردی است که اگر کسی را می‌کشد، خودش هم قصاص می‌شد (واحد چالشگر)، موجب حیات دیگران هم هست، زیرا اگر بدانند قصاص واجب است، جرئت کشتن کسی را نخواهد داشت. (بازدارندگی دشمنان پنهان) (حرّ عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۹، ص ۵۳).

ب) مقابله به مثل منفعل (واکنشی)

برخلاف مقابله به مثل فعال، مقابله به مثل واکنشی به بعد از تجاوز برمی‌گردد. اگرچه این سطح از مقابله به مثل ویژگی منفعلانه دارد و در پاسخ به اقدام‌های خصمانه واحد چالشگر صورت می‌گیرد، اگر به درستی اعمال گردد، ابتکار عمل را در دست نیروی مدافع قرار می‌دهد و دیگر انفعالی نخواهد بود.

این سطح از مقابله به مثل دو هدف عمده را در پی خواهد داشت: تجاوز و تهاجم به سرعت متوقف می‌یابد؛ واحد چالشگر مجازات خواهد شد. دقت در کلام امیرالمؤمنین⁷ مبین هر دو هدف از اجرای مقابله به مثل واکنشی است، آنجا که می‌فرماید: «سنگ را از هر سو که آمده برگردان، چرا که شرّ فقط با شرّ دفع می‌شود»، چراکه پاسخ متقابل به اقدامات متجاوزانه واحد چالشگر، هم او را مجازات می‌کند و هم از تجاوز دوباره باز خواهد ایستاد.

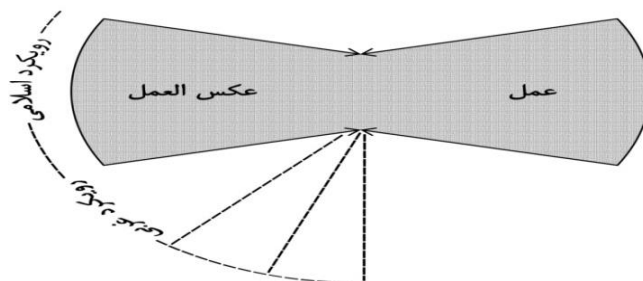
۲-۲. تمایز رویکرد اسلامی و غربی در مقابله به مثل

با وجود توافق و تفاهم رویکرد اسلامی و غربی در اصل و بنیان مقابله به مثل و برشماری آن از انواع خودیاری، تفاوت ریشه‌ای در این دو نگاه، لزوم عدالت و تناسب بین جرم و مجازات است (نمودار ۲). در راهبرد غربی لزوماً مسئله تشابه و هماهنگی میان عمل و عکس‌العمل در سنجش و اقدامات راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی مقابله به مثل وجود ندارد (Bledsoe and Boczek, ۱۹۸۷, p. ۳۴۳). به همین دلیل در راستای تنبیه

آغازگر، پاسخ و پدافندی به مراتب قوی‌تر و جدی‌تر از حمله اصلی را می‌پذیرد، اقدامی که در قالب استراتژی‌های جنگی مشت آهنین و سرزمین‌های سوخته تئوریزه می‌شود.

همین عدم تناسب و عدالت میان جرم و مجازات است که برخی دانشمندان غربی اقدامات تلافی‌جویانه را اقدام‌هایی ذاتاً غیر مشروع می‌دانند که به علت مسبوق‌بودن به یک عمل غیرمشروع دیگر (آغازگری دیگری) قابل توجیه، مجاز و مشروع است (روسو، ۱۳۶۹، ص ۱۶)؛ اگر پاسخ به تجاوز قبلی، تلافی و مقابله به مثل متعادل و مثل تجاوز ابتدایی و در تناسب با آن باشد، نه تنها نامشروع نیست، بلکه نوعی دفاع در مقابل ستم و روشی برای از میان بردن تجاوز محسوب می‌شود. این در حالی است که مراعات یکسانی تجاوز و دفاع، اساس مشروعیت مقابله به مثل در مدل راهبرد اسلامی می‌باشد - اساساً این رفتار را، به این علت، مقابله به مثل نامیده‌اند که در کم و کیف، مطابق با تجاوز است و عملی عادلانه (و نه ذاتاً غیر مشروع) تلقی می‌گردد (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۱۵).

رعایت تناسب و تماثل در مقابله به مثل داخلی و مجازات مجرمان متفاوت از مقابله به مثل در روابط بین‌الملل خواهد بود، چرا که در روابط بین‌الملل دو واحد اجتماعی یا دو جامعه در برابر هم قرار می‌گیرند و عمل و عکس‌العمل بین دو جامعه و دو ارتش رد و بدل می‌شود و در این شرایط رعایت حد و مرزها و تمیز افراد جنگ‌طلب و جنایتکار و مجازات و مقابله به مثل با آنها به درستی ممکن نیست. دو ارتش در برابر هم دو واحدند که هر یک با کشته‌شدن سربازانش ضعیف می‌شود و به خود حق می‌دهد به همان میزان به ارتش مقابل صدمه وارد کند. صدمه‌زدن به ارتش مقابل این است که - بدون نیاز به شناسایی افراد خاص - به آن ارتش ضربه بزند (اسکندری، ۱۳۷۹، ص ۹۵). بر این اساس دایره «قصاص» و مقابله به مثل در جنگ بسیار وسیع است و حتی نقض موافقت‌نامه‌ها و احکام و مقررات جنگی بین‌المللی، یا دست کم، پذیرفته شده از سوی دو طرف متخاصم و در حال جنگ را نیز شامل می‌شود. بدین ترتیب اگر یکی از دو طرف جنگ، یکی از این گونه مقررات جنگی را رعایت نکرد، طرف مقابل هم حق دارد آن را رعایت نکند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳).



نمودار (۲): تمایز رویکرد اسلامی و غربی در مقابله به مثل منفی

۳. راهبرد دفاع پیش‌دستانه^۱

دفاع پیش‌دستانه از جمله راهبردهای اجبارمحور و تهاجمی در روابط بین‌الملل و ادبیات راهبردی به شمار می‌آید. القای دو مفهوم متضاد دفاع-تهاجم در عنوان «دفاع پیش‌دستانه» باعث پارادوکس ابتدایی در تبیین آن است، ولی رویکرد تهاجمی دفاع پیش‌دستانه به دلیل آغازگری حمله و اقدام به ضربه اول و ویژگی دفاعی آن در پی مسلّم‌بودن تهدید و کشف تصمیم دشمن به حمله قطعی می‌باشد. راهبرد دفاع پیش‌دستانه یک راهبرد اقدامی است و زمانی در دکترین امنیتی واحد مدافع گنجانده می‌شود که مؤلفه‌های روانی و بازدارنده، به دلیل تصمیم قطعی واحد چالشگر، کارایی خود را از دست داده و تنش‌ها به نقطه برگشت‌ناپذیر رسیده است.

۳-۱. دفاع پیش‌دستانه در ادبیات راهبردی

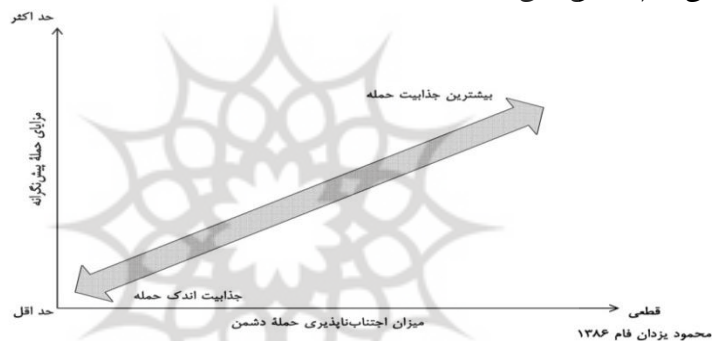
مسلّم‌بودن تهدید یکی از اصول کانونی در راهبرد دفاع پیش‌دستانه به شمار می‌آید. در باور نظریه‌پردازان حقوق بین‌الملل آنچه به دفاع پیش‌دستانه مشروعیت داده و آن را در ذیل دفاع مشروع قرار می‌دهد، مسلّم و قطعی بودن حمله و اطمینانⁱⁱ از تهدید قریب‌الوقوع می‌باشد. همان‌طور که در نمودار ۳ ترسیم گردیده است، حمله پیش‌دستانه زمانی صورت می‌گیرد که کشور مهاجم بر اساس دریافت خود از اقدامات دشمن یا کشور رقیب به این نتیجه می‌رسد که در آینده مورد حمله قرار خواهد گرفت و برای جلوگیری از وارد آمدن ضربات و خسارات جبران‌ناپذیر، کاهش ویرانی‌ها و بهره‌گیری از توانمندی خود، زدن



i. Preemptive Defense Strategy.
ii. Certainty.

ضربه نخست^۱ لازم و اجتناب‌ناپذیر است، بنابراین فوری و قطعی بودن اصل تهدید، نکته محوری در اقدام به حمله پیش‌دستانه است (یزدان فام، ۱۳۸۶، ص ۳۸۵).

نکته کانونی دیگر در اقدام به راهبرد پیش‌دستی، مزیت‌داشتن این نوع اقدام است، یک حمله غافلگیرکننده موفقیت‌آمیز، پاداش و فرصت بیشتری به همراه دارد و موجب تغییر توانمندی نظامی به نفع مهاجم (مدافع) می‌گردد. این نوع حمله با هدف جلوگیری از دسترسی رقیب به فرصت بیشتر برای تجهیز قوا و تحرکات تهاجمی و با ارزیابی سود و زیان سیاسی و نظامی در برابر حمله احتمالی دشمن و راه‌های ممکن برای مقابله با آن صورت می‌پذیرد و در عین حال با تجاوز فرصت‌طلبانه متفاوت است، چراکه در اقدامات فرصت‌طلبانه زمان حمله را نه اقدام احتمالی رقیب بلکه مزایای زمان حمله تعیین می‌کند. (یزدان فام، همان، ص ۳۸۷)



نمودار (۳): ترسیم اصول کانونی حمله پیش‌نگرانه

۲-۳. اسلام و راهبرد پیش‌دستی

دفاع در اسلام صرفاً دفاع منفعلانه و موقوف به فعلیت یافتن حمله دشمن نیست، بلکه دفاع فعال اولویت غیر قابل انکار در رفتار و منش دفاعی اسلام است. از این منظر گاهی مسائل امنیتی و دفاعی، اقدامات تهاجمی را ضروری می‌سازد، نظیر مداخلات بشردوستانه که شکل تهاجمی دارد، ولی طبیعت و منطق آن، دفاع از گروهی ستم‌دیده به شمار می‌آید، بنابراین تهاجم و پیش‌دستی در جنگ، نوعی دفاع در قالب تهاجم و حمله برای پیشگیری از حمله دشمن است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۴۵).

پیامبر گرامی اسلام در رفتار سیاسی و اقدامات نظامی خود صرفاً به دفاع منفعلانه



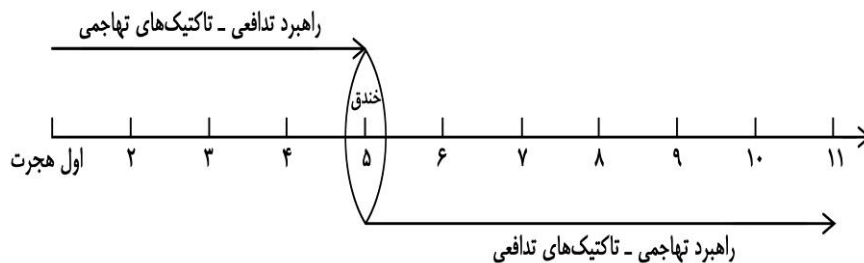
نپرداخته و اقدام به واردآوردن ضربات پیش‌دستانه به دشمنان حکومت نوظهور خود می‌کرد. وی از ماه‌های آغازین سال دوم هجری از این طرح برای القای اینکه هزینه‌های اقدامات طرف مقابل بیشتر از سودی است که به دست خواهند آورد، مانورهای نظامی و ضربه‌های پیش‌دستانه را در دستور کار خود قرار داد (جهان بزرگی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۷).

۳-۳. تحلیل راهبردی غزوات پیامبر 6 از منظر پیش‌دستی

پیامبر گرامی اسلام 6 با توجه به مقدرات و محذورات داخلی مسلمانان و ارزیابی توانایی دشمنان جامعه اسلامی به طراحی و تبیین راهبردهایی برای امنیت جامعه اسلامی می‌پرداخت. استراتژی‌های ایشان در سال‌های اولیه ظهور دولت اسلامی، با توجه به توانایی‌ها و امکانات اندک مسلمانان، بر راهبردهای تدافعی تمرکز داشت و اقدامات پیش‌دستانه ایشان در این سال‌ها نظیر غزوه بنی‌قرده، بحران، ذی‌أمر و ... با دو هدف صورت می‌پذیرفت:

پیامبر 6 از ضعف و ناتوانی دشمن نسبت به سپاه اسلام با خبر بود و به محض اطلاع از اقدامات تهدیدآمیز آنان، اقدام تهاجمی می‌نمود تا با کمترین تلفات به ثبات سیاسی و صلح و آرامش دست یابد. هدف دوم ایجاد انحراف در محاسبات دشمن بود. پیامبر 6 با دفاع پیش‌دستانه، دشمنان بزرگ‌تر نظیر قریش را فریب داد و از طریق عملیات ادراکی، مبانی شناختی دشمن را از توانمندی مسلمانان به انحراف می‌کشاند.

اما قوت‌گرفتن دولت اسلامی از طریق هم‌پیمان کردن بسیاری از قبایل و گسترش شعاع اسلامی و شکست بسیاری از طرح‌های مشرکان برای مقابله با اسلام و پیروزی مسلمانان در جنگ‌های متعدد، موجب تغییر در رویکردهای امنیتی پیامبر 6 گردید. آغاز این تغییر رویکرد در پایان جنگ خندق از طرف پیامبر 6 اعلام گردید. ایشان بعد از پراکنده‌شدن احزاب در جنگ خندق فرمود: «الآن نَغزُوهُمْ و لا يَغزُونَا»: زین پس ما با آنها می‌جنگیم نه آنان با ما (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹، ۲۰۹). تغییر رویکرد راهبردی پیامبر اسلام 6 از دفاع به تهاجم در این فرمایش ایشان به روشنی مشهود است. عمل سیاسی پیامبر 6 بعد از فراغت از جنگ خندق نیز نشان این تغییر است و ایشان طبق استراتژی اعلامی خود به دفاع پیش‌دستانه اقدام می‌کرد. (نک: نمودار ۴)



نمودار (۴): رویکردهای راهبردی پیامبر اسلام 6 در جنگ‌ها

از نبردهایی که در حیات پیامبر 6 با تکیه بر راهبرد دفاع پیش‌دستانه صورت گرفت، می‌توان به غزوة ذی امر و بُحْران (در سال‌های اولیه و عدم قدرت دولت اسلامی) و غزوه بنی‌المصطلق و ذات‌السَّلاسل (در زمان قدرت‌گیری دولت اسلامی) اشاره نمود. در این غزوات، پیامبر 6 با توجه به حتمی‌بودن تهاجم دشمن، به دفاع پیش‌دستانه دست می‌زد. مزیت این اقدام در دستیابی به امنیت و تأمین اهداف رسالت بدون درگیری میدانی یا کمترین تلفات انسانی بوده است.

این راهبرد از کارآمدترین راهبردها برای تأمین اهداف رسالت پیامبر اعظم 6 است. هدف ایشان رساندن پیام الهی به ابنای بشر و هدایت آنها به سمت زیست الهی - انسانی و آزادی انسان‌ها در پذیرش و عمل به دین بود. بر همین اساس، تمامی راهبردهای امنیتی و نظامی ایشان در جهت رسیدن به این اهداف با کمترین درگیری نظامی و حداقل تلفات طراحی گردیده بود. مزیت راهبرد پیش‌دستانه پیامبر 6 رسیدن به اهداف رسالت و بازشدن درهای تبلیغ دین با کمترین تلفات میدانی در دو طرف جبهه است. ایشان علاوه بر اینکه در پرتو این راهبرد به عمر سیاسی و نظامی دشمنان دولت نوظهور خود پایان داد و امنیت سرزمینی خود را ارتقا بخشید، با برچیده‌شدن موانع دعوت اسلامی، اصول و موازین دین الهی را به مردم آن سامان ابلاغ می‌کرد و تهدید ایجادشده را به فرصتی برای هدف رسالت تبدیل می‌نمود.

۴. راهبرد دفاع در آستانه^۱

۴-۱. مفهوم‌شناسی و چارچوب شناختی

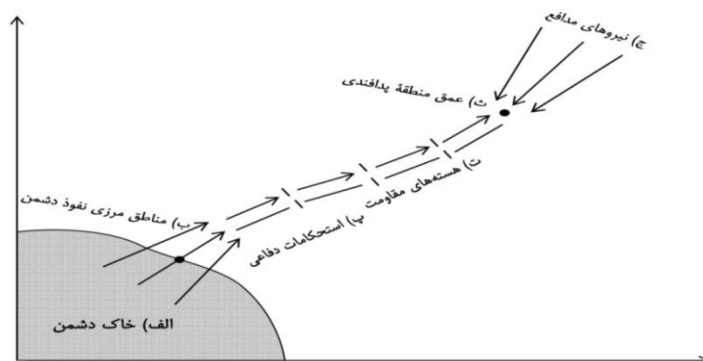


با توجه به بدیع بودن اصطلاح دفاع در آستانه و نبود تعریف رسمی و روشن در ادبیات نظامی و راهبردی از تعریف آن ناگزیم؛ «دفاع در آستانه راهبردی است که با تهاجم خارجی در آستانه ورود به خاک کشور (مدافع) مقابله می‌نماید و با انتقال عملیات دفاعی (تهاجمی) به خاک دشمن ابتکار عمل را در دست می‌گیرد».

راهبرد «دفاع در آستانه» با راهبرد «دفاع در عمق»^۱ با وجود تشابه ابتدایی از جهت معنا و کارکرد متفاوت است. دفاع در عمق به اتخاذ تدابیر دفاعی متعدد که در امتداد محور پیشروی دشمن در نقاط پشت سر هم - برخلاف فقط یک خط دفاعی - اطلاق می‌گردد. این تدابیر دفاعی ضمن دفع نفوذ دشمن آنها را به‌نحوی فزاینده و در تدارک قبلی برای عملیات ضد حمله (پاتک) خودی تضعیف می‌نماید (کالینز، ۱۳۷۰، ص ۴۹۳).

همان‌گونه که در نمودار ۵ ترسیم گردیده است «دفاع در عمق یکی از انواع عملیات پدافندی است که در آن یگان‌های مدافع با بهره‌برداری از امتیازات منطقه و عوارض زمین، به منظور فرسوده‌نمودن دشمن، عمق‌بخشیدن به منطقه نبرد و کم‌کردن آسیب‌پذیری‌های خودی در مقابل عملیات تهاجمی و آتش‌های دشمن، تا عمق منطقه پدافندی و در رده‌های متعدد و متوالی گسترش می‌یابند. در این نوع پدافند، علاوه بر عملیات پدافند منطقه‌ای برای حفظ مناطق حساس و یا کانالیزه کردن نیروهای دشمن، عملیات آفندی منظم و نامنظم به‌خصوص علیه جناحین نیروهای مهاجم دشمن اجرا می‌شود و با تهیه و اجرای طرح‌هایی نظیر سد و موانع، استحکامات، تشکیل هسته‌های مقاومت مردمی و اجرای جنگ‌های چریکی در قلمرو مناطق اشغال شده توسط دشمن از پیشروی و گسترش مطلوب آنها جلوگیری به عمل می‌آید» (www.sndu.ac.ir).

راهبرد دفاع در عمق، مدل انفعالی دفاع است و به طراحی دفاع و پدافند در خاک خودی تمرکز دارد و با متغیر ورود و پیشروی مهاجم در خاک خودی سنجیده می‌شود، درحالی‌که راهبرد دفاع در آستانه، دفاع فعال است و نه فقط اجازه تعرض به خاک خودی داده نمی‌شود، بلکه عملیات نظامی به خاک دشمن منتقل می‌شود.



نمودار ۵: کیفیت دفاع در راهبرد «دفاع در عمق»

۲-۴. تهاجم معکوس، اصل راهبردی دفاع در آستانه

واحدهای بین‌الملل در رویکردهای دفاعی خود از انتخاب‌های استراتژیک گوناگونی بهره می‌برند. این تنوع انتخاب، نسبت مستقیمی با اهداف، تمایلات و سیاست‌های واحد مهاجم دارد. بدون شک نوع چالشی که واحدی با گرایش‌های امپریالیستی ایجاد می‌کند، با چالشی که واحدی با هدف تعدیل در توزیع قدرت ایجاد می‌کند، متفاوت است؛ در نتیجه سیاست‌ها و رویکردهای مقابله‌ای (دفاعی) که در مقابل آنها اتخاذ می‌شود نیز متفاوت خواهد بود.

از این منظر راهبرد دفاع در آستانه دارای تمایز جدی با سیاست‌های متداول بین‌المللی است، به گونه‌ای که این راهبرد در برخورد تدافعی، تفاوتی میان مهاجم توسعه‌طلب (امپریالیستی) و هر نوع مهاجم دیگری قائل نیست. بر این اساس، دشمن با هر گرایش و انگیزه‌ای، حق ورود به خاک مدافع را نخواهد داشت و با او در آستانه تهاجم، مقابله خواهد شد. در راهبرد دفاع در آستانه به محض بروز علائم تهدیدآفرین از ناحیه واحد چالشگر، تمام توان دفاعی واحد مدافع - نیروی انسانی رزمی و تجهیزات - فعال می‌شود و نه تنها اجازه توسعه‌طلبی در خاک مدافع داده نمی‌شود، بلکه عملیات دفاعی به شکل تهاجمی و عملیات معکوس به خانه و خاک دشمن منتقل می‌شود (ن.ک. نمودار ۶).

این راهبرد، کشانیدن جنگ به زمین دشمن - تهاجم معکوس - را یک اصل راهبردی خدشه‌ناپذیر می‌داند و اساساً با پذیرش ورود مهاجم به خاک واحد مدافع حتی در مقیاس‌های تاکتیکی نیز مخالف است و تباین ذاتی با استراتژی‌های منفعلانه‌ای نظیر «واگذاری زمین در مقابل خرید زمان» دارد.



دفاع در آستانه از دو مزیت عمده برخوردار است: ۱. ابتکار عمل در دست نیروی مدافع قرار می‌گیرد؛ ۲. محیط داخلی از آسیب‌های جنگ در امان می‌ماند. راهبرد دفاع در آستانه در کشورهایی با وسعت سرزمینی اندک مزیت‌های فراوانی دارد و ضعف‌های کمی آنها را جبران می‌کند. به همین دلیل در دکترین امنیتی و نظامی رژیم غاصب صهیونیستی، اصل جنگ پیش‌دستانه و جنگ در زمین دشمن از اصول ثابت تلقی می‌شود (شعبان، ۱۹۹۳، ص ۲۵).



نمودار ۶: کیفیت دفاع در راهبرد «دفاع در آستانه»

۳-۴. اسلام و راهبرد دفاع در آستانه

ارزش‌های حیاتی در اسلام به دو گروه ارزش‌های مادی (جان و مال و ناموس و سرزمین) و ارزش‌های استعلایی (اسلام و ایمان و...) تقسیم‌پذیر است و در صورت تهدید بیگانگان، دفاع از آن واجب می‌باشد. فقهای شیعه دفاع در مقابل بیگانگان را بدون هیچ قید و شرطی بر همگان واجب می‌دانند. شیخ طوسی؛ با وجود خطا و گناه دانستن جهاد بدون امام معصوم ۷ یا همراه با پیشوای ظالم، دفاع و جنگ را در آنجا که خطری از ناحیه دشمن مسلمانان را تهدید کند - به گونه‌ای که اصل اسلام (ارزش استعلایی) در خطر باشد یا نابودی گروهی از مسلمانان (ارزش حیاتی مادی) را در پی داشته باشد واجب می‌داند (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۲۹۰). امام خمینی؛ بیان می‌دارد: «اگر دشمن به شهرهای مسلمانان یا مرزهای آنان هجوم آورد و بر اصل اسلام (ارزشی استعلایی) یا جامعه مسلمانان (ارزش حیاتی مادی) ترسیده شود، بر مسلمانان واجب است به هر وسیله ممکن از مال و جان دفاع کنند و اذن امام و نایبش نیز در این دفاع شرط نمی‌باشد» (موسوی خمینی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳۵).

امیرالمؤمنین علی ۷ در تبیین راهبرد دفاع در آستانه می‌فرماید: «إِغْزَوْهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْزَوْكُمْ، فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا»: پیش از آنکه با شما بجنگند با

آنان نبرد کنید. به خدا سوگند هر ملتی درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، دلیل خواهد شد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵).

در مقیاس راهبردی، تهدیدات جنگ در خانه بیش از فرصت‌های آن است. مدافعی که در خانه خود مورد تهاجم دشمن قرار می‌گیرد، روحیه دفاعی خود را به سرعت از دست می‌دهد و احساس شکست می‌کند و همین امر تعادل تهاجم - دفاع را به نفع مهاجم می‌کند و در نهایت به شکست مدافع می‌انجامد.

از سوی دیگر، محذورات و آسیب‌های موجود در دفاع سرزمینی این تعادل را به نفع مهاجم رقم می‌زند. روشن است که مهاجم هیچ‌گاه به رعایت مصالح سرزمین مورد هجوم توجه ندارد و برای پیشبرد مقاصد خویش از هیچ نوع تخریبی فروگذار نیست، درحالی‌که مدافع ناگزیر از رعایت این مصالح است و همین فعالیت دفاعی او را محدود می‌کند و ابتکار عمل را به دست مهاجم می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۴۹). این در حالی است که بر اساس راهبرد دفاع در آستانه، ابتکار عمل در دست واحد مدافع باقی می‌ماند و این وضعیت با کشاندن جنگ به خاک دشمن به مراتب تقویت می‌شود.

امیرالمؤمنین علی ۷ با اشاره به ابتکار عملی که حفظ مرزها و ثغور را در دست دولت اسلامی قرار می‌دهد، می‌فرماید: «خُذُوا مَهْلَ الْأَيَّامِ وَ حُوِّطُوا قَوَاصِيَ الْإِسْلَامِ»: از فرصت مناسب استفاده کنید و مرزهای دوردست کشور اسلامی را در دست خود نگه دارید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۲، ص ۳۲۴). بنابراین بر اساس راهبرد دفاع در آستانه، مرزهای کشور اسلامی، عمق استراتژیک در نظر گرفته می‌شود و حفظ آنها همواره در اولویت نخست دولت اسلامی قرار می‌گیرد.

رجوع به سیره عملی پیامبر ۶ و برخورد با دشمنان اسلام، گواه این اولویت‌گذاری دفاعی می‌باشد. به گواهی استراتژیست‌های نظامی، مدیریت نظامی پیامبر ۶ به گونه‌ای بود که «آن حضرت جز در خارج از مدینه با دشمن نمی‌جنگید و به محض اطلاع از قصد دشمن برای هجوم به مدینه، قبل از اینکه دشمن از سرزمین خود حرکت کند، در حمله به او پیش دستی می‌کرد» (وتر، ۱۳۷۴، ص ۱۶۴). نبرد پیامبر ۶ با یهودیان خیبر، لشکر متحد مشرکان در خندق و دولت - قبیله‌های بنی‌المصطلق، بحران، ذی‌أمر... در داخل شبه جزیره عربستان و جنگ موته و تبوک در مرزهای امپراطوری روم از منظر راهبردی دفاع در آستانه قابل تحلیل است.

از شیوه رفتاری پیامبر ۶ در گزارش‌های تاریخی فوق و نیز برخی غزوات پیش‌گفته به ۱۵۷



دست می‌آید که دولت اسلامی برای دفاع از موجودیت سرزمین‌های اسلامی در مقابل تهدیدهای فراسرزمینی، باید با تعریف حداکثری از عمق استراتژیک جغرافیایی، راهبرد دفاع در آستانه را برای دستیابی به این هدف عملیاتی سازد.

نتیجه‌گیری

از بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌های موجود در گزاره‌های دینی، سیره و رفتار عملی و حکومتی پیامبر⁶ و برداشت اندیشمندان به وجود یک نظام سیاسی جامع در اسلام می‌توان رسید. پی‌ریزی نظام سیاسی مورد نظر، از گذشته تا کنون، با تعارضات و تنش‌هایی از ناحیه قدرت‌های معارض مواجه بوده است و امنیت‌سازی از دغدغه‌های اساسی نظام سیاسی اسلام به شمار می‌آید. در گفتمان اسلامی در کنار راهبردهای بلندمدت و گسترش ایمان ایمنی‌ساز از راهبردهای کوتاه‌مدت نیز برای امنیت‌سازی بهره برده می‌شود. این راهبردها از تنوع و گوناگونی برخوردارند و با توجه به نوع تهدید اجرا می‌شوند. درست است که اصل محوری در آیین توحیدی اسلام استفاده از راهکارهای مسالمت‌آمیز و همکاری‌جویانه است، ولی بر اساس اصل فطری دفاع، راهکارهای مقابله‌جویانه، به آخرین مرحله دفاع برای نابودی عوامل تهدیدکننده، نیز توصیه گردیده است.

با وجود ادعای برخی کشورها و تئوری پردازان مبنی بر گذر از امنیت سخت و متصلب و ترسیم راهبردهایی در حوزه امنیت نرم، واقعیت‌های جهانی و رفتارهای برتری طلبانه دولت‌های سلطه‌گر همچنان نشان اهمیت راهبردهای متصلب برای تهدیدزدایی از ناحیه فراسرزمین می‌باشد. قدرت نظامی، به عنوان یکی از عوامل به‌وجودآورنده و افزایش‌دهنده قدرت ملی، همواره هسته مرکزی در تفکر راهبردی کشورها بوده است و غفلت از آن کاهش قدرت ملی و افزایش تهدیدها را در پی دارد.

راهبردهای متصلب در این نوشته در عین دارابودن ویژگی‌های ظاهری سخت، عینی و فیزیکی، با گذر از پوسته سخت امنیت، در جهت راهکارهای مسالمت‌جویانه عمل می‌نماید و درخور پیگیری در نظام‌های دفاعی گوناگون از جمله دفاع غیرتحریک‌آمیز^۱ و رویکردهایی نظیر دیپلماسی دفاعی است.

منابع

- اسکندری، محمدحسین، *قاعده مقابله به مثل در حقوق بین الملل از دید اسلام*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
- بیلینس، جان و دیگران، *استراتژی معاصر: نظریات و خط مشی‌ها*، ترجمه هوشمند میرفخرایی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، ۱۳۷۳.
- جهان‌بزرگی، احمد، *امنیت در نظام سیاسی اسلام*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه*، ج ۲۹، قم: مؤسسه آل‌البیت ۷ لإحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.
- حمزه‌پور، علی، *راهبردهای امنیتی: سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
- روسو، شارل، *حقوق مخاصمات مسلحانه*، ترجمه سید علی هنجی و شیرین نیر نوری، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹.
- سبحانی، جعفر، *فروع ابدیت*، ج ۱، قم: دانش اسلامی، ۱۳۶۳.
- سرخسی، محمدبن‌احمد بن‌ابی سهل، *المبسوط*، ج ۲۶، بیروت: دارالمعرفه، بی‌تا.
- سوزنجی، حسین، *معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی*، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸.
- سیف زاده، سیدحسین، *نظریه پردازی در روابط بین الملل، مبانی و قالب‌های فکری*، چ ۴، تهران: سمت، ۱۳۸۳.
- شعبان، احمد بهاء‌الدین، *الاستراتیجیه العسگریه الإسرائیلیه عام ۲۰۰۰*، ط ۱، مصر: سینا للنشر، ۱۹۹۳ م.
- صدوق، ابن بابویه محمدبن علی، *من لایحضره الفقیه*، ط ۲، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۳ ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۲، تهران: کانون انتشارات محمدی، ۱۳۶۳.



- طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، ط ۲، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۰ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
- عبدالله خانی، علی، *ترویرسم شناسی*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی، ابرار معاصر، ۱۳۸۶.
- قرشی، سید علی اکبر، *قاموس القرآن*، ج ۶، چ ۱۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶.
- قمی، علی ابن ابراهیم، *تفسیر القمی*، ج ۱، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ ق.
- کالینز، جان ام، *استراتژی بزرگ: (اصول و رویه ها)*، ترجمه کورش بایندر، چ ۳، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- لک زایی، نجف، «امنیت از دیدگاه آیه الله جوادی آملی»، *فصلنامه اسراء*، ش ۷، ۱۳۹۰.
- لیثی الواسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ*، چ ۱، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعه للدرر اخبار الائمة الاطهار 7*، ج ۳۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مرادیان، محسن و دیگران، «شاخص های امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ش ۹، ۳۳ تابستان ۱۳۹۰.
- مصباح یزدی، محمد تقی، *جنگ و جهاد در قرآن*، تحقیق: محمد حسین اسکندری، چ ۱، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
- معطوف، لوس، *المنجد فی اللغه*، بیروت: دارالمشرق، [بی تا].
- معین، محمد، *فرهنگ معین*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- مکارم شیرازی ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، ج ۶، چ ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
- _____، *پیام امام امیرالمؤمنین 7*، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
- موسوی الخمینی، روح الله، *زبده الأحكام*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.

- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۴۲، تهران: چاپخانه اسلامی، ۱۳۶۵.
- وتر، ظاهر، *مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر اکرم 6*، ترجمه اصغر قائدان، تهران: صریح، ۱۳۷۴.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و دیگران، *تفسیر راهنما*، ج ۶، چ ۳، قم: مرکز چاپ و انتشارات دفتر تبلیغات، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- هونتزینگر، ژاک، *درآمدی بر روابط بین الملل*، ترجمه عباس آگاهی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- یزدان فام، محمود، «نقد و بررسی کتاب: ضربه نخست، حمله پیش‌دستانه و پیشگیرانه در سیاست امنیت ملی آمریکا»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۳۶، تابستان ۱۳۸۶.
- George, Alexander L. and Richard Smoke; *Deterrence in American Foreign Policy: Theory and Practice*; New York: Columbia University Press, ۱۹۷۴.
- Jervis, Robert; "Deterrence Theory Revisited", *World Politics*: xxx۱. April ۱۹۷۹.
- Robert I. Bledsoe and Boleslaw A. Boczek, *The International law Dictionary* England: Oxford, ۱۹۸۷.
۱. www.sndu.ac.ir

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی